

## سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۶ بهترین دوران کشتی ایران

کشتی ما همیشه در سایه‌ای به نام فوتبال قرار گرفته است

داود غرانوش



بچه نایب السلطنه

روز ۲۷ اسفند ماه ۱۳۱۶ در کوچه بحر العلوم واقع در چهارراه سرچشمه تهران قدیم متولد شدم، اما در خیابان نایب السلطنه بزرگ شده‌ام. من نخستین رئیس فدراسیون کشتی دوران انقلاب اسلامی هستم. حدوداً ۶۰ سال با کشتی حرکت کردم و غمها و شادیهای کشتی را خوب می‌شناسم. همسرم با تمام غیبت‌هایم - به خاطر کشتی - با من مدارا کرد. دارای دو دختر و یک پسر هستم که دخترها همراه همسرانشان و همسر و پسر در کانادا زندگی می‌کنند. فعلاً هم در فدراسیون به عنوان نایب رئیس و مدیر فنی تیم‌های کشتی کشورمان در حال خدمت هستم.

### آفتقد زمین خوردم که مپرس

دوران تحصیل من در مدارس سفوی، علمیه، ناصر خسرو و محمدعلی فروغی سپری شد و دیپلمم را از دبیرستان مرآت در میدان سپاه کنونی گرفتم. در سال ۱۳۳۱ در ۱۵ سالگی در دبیرستان ناصر خسرو با «کشتی» آشنا شدم. آشنایی من با کشتی آفتقد خوب بود که در آن محو شدم. دیدن کشتی در ۱۵ سالگی و لخت شدن و روی تشک رفتن، برایم تازگی داشت. البته ورودم به روی تشک کشتی دبیرستان ناصر خسرو خوشایند نبود، چون از سوی باتجربه‌ها آفتقد زمین خوردم که مپرس!

### خط قرمز

در آن روز زنده یاد امان الله تاجیک خواننده ترانه «رود کارون» همراهم بود. وقتی از تشک بیرون آمدم، با آن مرحوم از مدرسه بیرون زدم و به خاطر زمین خوردنهای پیاپی از باتجربه‌ها، دور کشتی را خط قرمز کشیدم اما... اما این «خط قرمز» چندان دوام نداشت، چون سریع از مدرسه ناصر خسرو جدا و رهسپار دبیرستان محمدعلی فروغی، که نزدیک منزلمان بود شدم و با دوستانم به باشگاه شهپاز رفتم. در گود زورخانه شهپاز، تشک ۴×۴ پهن کرده بودند که عده‌ای در آن کشتی می‌گرفتند و من هم با پرداخت ۳ تومان ثبت‌نام کردم و...

### استاد غفوریان

مربیان تشک کشتی آن زمان باشگاه شهپاز آقایان حسین بدر و لبافزاده بودند و من چند ماه زیر نظر این دو بزرگوار تمرین کردم. البته زنده‌یاد جوادزاده، اصغر رنگیان، ابراهیم نادری و محمد لبافزاده نیز مانند من روی همان تشک تمرین می‌کردند و این ادامه داشت تا اینکه خبر آمد قرار است یک مربی بزرگ و استاد به باشگاه بیاید تا تمرینات کشتی‌گیران را زیر نظر بگیرد. بالاخره استاد رحمت‌الله غفوریان به عنوان مربی وارد باشگاه شد و تازه آن موقع

### اشاره

او از کشتی‌گیران قدیمی و پیشکسوت کشورمان است که امروز نایب رئیس فدراسیون کشتی و مدیر فنی تیم‌های ملی است. صنعتکاران، شکست دهنده سینا و یسکی اعجوبه روس در سال ۱۹۶۱ یوکوهاما است. «محمدعلی صنعتکاران»، سالها قهرمان کشتی جهان، المپیک، آسیا و ایران بود. او نخستین رئیس فدراسیون کشتی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی است و سرمربی تیم ملی کشتی ایران در المپیک مونیخ ۱۹۷۶ است. صنعتکاران در دو هنر رزمی «جو دو و کاراته» نیز درجه استادی دارد. این بهلولان، دارنده ۳ مدال طلا، نقره و برنز جهان و بازیهای المپیک در دهه ۶۰ میلادی است.

بوزن کم کرد و جلوی تاجیک بی‌شانس شد. من قبل از قهرمان شدنم مسابقه مهمی داده بودم که در مقابل تر کها بود. آن زمان تر کها برای چند دیدار دوستانه وارد تهران شدند. خیرالله شاهین قهرمان ترک در مسابقه اول با تاجیک مساوی کرد و شب دوم مقابل من قرار گرفت. همه دیدند که مسابقه من با خیرالله مساوی شد اما داوران به سود کشتی‌گیر ترک رای دادند. مسابقه دوم من با خارجی‌ها با اینوولچف بلغاری بود که او را در تهران شکست دادم و آماده و قیراق به پیشواز مسابقات قهرمانی جهان در سال ۱۹۵۹ تهران آمدم.

### نخستین دیدار خارجی

۲۰ اسفند ماه سال ۱۳۴۱ تیم کشتی بلغارستان برای انجام چند دیدار دوستانه به تهران آمد. من برای نخستین بار در یک دیدار خارجی در وزن پنجم کشتی گرفتم. حریف من پتکو در منچیف بلغاری نفر دوم مسابقات جهانی سال ۱۹۶۲ تولید بود. کشتی من و حریف بلغاری باشش حادثه توأم بود. چهار زیر بدون نتیجه از او و در مقابل من با دو بار با زیر یک خم و دو خم او را خاک کردم و دو امتیاز گرفتم. این دو خاک در ۱۰ دقیقه کشتی سند پیروزی من را امضا می‌کرد. داوران از جمله گاسپادین ولچف ملاقاتی و مهدی یعقوبی یک بر سه به سود من رأی دادند و پیروز میدان شدم.

### خاطره بد

در آن مسابقات سینا و یسکی روس موفق شد مصطفی تاجیک را ضربه فنی کند، اما در این مسابقه توٹ مجاری،

بود که ما فهمیدیم نقش مربی در ورزش به ویژه کشتی چیست. تمرینات ما با استاد غفوریان در باشگاه شهپاز ادامه داشت تا اینکه ۷/۵ ماه بعد همه کشتی‌گیران با هدایت آقای غفوریان به باشگاه دارایی کوچ کردیم و حریف تمرینی من هم اکبر حیدری کشتی‌گیر پر سابقه بود.

### خواب نوشین

در باشگاه دارایی و روی تشک، آفتقد را حیدری تمرین کردم و زمین خوردم که داشتم از کشتی بیزار می‌شدم، اما یک اتفاق خوش‌یمن رای من را زد.

در آن زمان (۱۹۵۴ زاین) تیم ملی کشتی کشورمان با دو مدال طلای توفیق و نقره محمدعلی فریدین در جهان بلندآوازه شدند و تهران و مردم کشورمان غرق در شادی و آن روز وقتی جیب‌های حامل قهرمانان پیروز کشورمان از ژاپن برگشتند، من و بچه‌های محل دنبال جیب‌ها بودیم و محو قهرمانان یاد شده. سپس من خودم را به جیب رساندم و دست محمدعلی فریدین را که نایب قهرمان سال ۱۹۵۴ جهان بود، در دستم گرفتم و... بعد ناگهان از خواب پریدم، چون همه را در خواب می‌دیدم.

وقتی از خواب پریدم و آن را برای مرحوم مادرم تعریف کردم، گفت مطمئن باش تو هم قهرمان خواهی شد. از آن روز به بعد تمرینات خود را جدی‌تر زیر نظر مرحوم غفوریان ادامه دادم و ۷ ماه بعد در مسابقات قهرمانی تهران حضور یافتم. در آن مسابقات من فقط به اقامت مصطفی تاجیک باختم و دوم شدم. آن روز پرویز عرب گفت بچه‌ها مواظب باشید این تازه وارد یک مدعی است. در همان سال (۱۳۳۴) دیپلم گرفتم و یک سال بیکار بودم تا اینکه توسط آقای محب رئیس باشگاه دارایی به استخدام وزارت دارایی در آمدم و درآمد ماهانه‌ام ۴۵۰ تومان بود.

### دیدار با تر کها

سال ۱۳۳۸ قهرمان مسابقات انتخابی شدم، اما آقابلور به من اجازه نداد در صف مدعیان تیم ملی وارد شوم و قرار شد مصطفی تاجیک و مهندس توفیق کشتی بگیرند که توفیق



منجستر انگلستان - سال ۱۹۶۵: ایران قهرمان مسابقات جهانی کشتی شد. ایستاده از راست: نبی سروری (مربی) محمدعلی صنعتکاران (نقره)، احمد رضایی، امیر حمیدی، داور بین‌المللی (سیاوش تجوری، سیدمحمد خادم (رئیس فدراسیون کشتی) منصور مهدی‌زاده، محمد ابراهیم سیف‌پور و منصور سرداری. نشسته: عبدالله موحد، سیدعلی اکبر حیدری و محمدعلی فرخیان.